

آموزش های نظامی در دوران رضاشاه پهلوی

مجید جهانبانی



درباره نویسنده: مجید جهانبانی، نواده ناصرالدین شاه قاجار (پدری) و میزرا تقی خان امیرکبیر (مادری) و فرزند سپهد میهن دوست، امان الله میرزای جهانبانی است. او در دوران پهلوی در وزارت کشاورزی خدمت کرد و در دهه اول انقلاب به آمریکا، ایالت ویرجینیا مهاجرت نمود. آقای جهانبانی به تنظیم و انتشار یادهای خود از زنده یاد، امان الله میرزای جهانبانی پرداخته که کتاب هایی بس خواندنی هستند. از ابتدای همکاری آقای جهانبانی با فصلنامه آرمان نوشته هایی منتشر نشده ای از این دوست ارجمند از جمله خاطرات او از بانو ضیاءالسلطنه، همسر زنده یاد دکتر محمد مصدق، خاطراتی از پدر، یاد عشق کودکی به هنرپیشه هالیوود دیانا دورین و تاریخچه تشکیل نیروی هوایی ایران به خوانندگان آرمان تقدیم شده است.

آموزش های نظامی در دوران رضاشاه پهلوی مجید جهانبانی

یکی از مهمترین وقایع تاریخ معاصر ایران، کودتای ۱۲۹۹ شمسی بود. در اسفند ماه آن سال پادگان قزوین، به همراهی سید ضیاءالدین طباطبایی و بازوی نظامی میر پنج رضاخان، به قصد اشغال تهران حرکت کردند. سید ضیاء در موقع حرکت، نطق مهیجی ایراد کرد و با دریافت کمک های مالی از انگلستان سه ماه حقوق معوقه سربازان را پرداخت نمود. در برابر کودتاچیان مقاومتی به عمل نیامد و سلطان احمدشاه ناچار وضع موجود را پذیرا شد و رضاخان را به

فرماندهی نیروهای نظامی منصوب و در ۱۸ اسفند ماه همان سال او را به لقب سردار سپه‌ی مفتخر گردانید.

اولین اقدام سردار سپه توجه به امر آموزش های نظامی بود. او به این منظور در سال ۱۳۰۰، سرهنگ محمّد نخجوان معروف به «امیر موثق» را که تحصیلات خود را در روسیه انجام داده بود با ترفیع به درجه سرتیپی به عنوان ریاست مدارس کلّ نظام انتخاب نمود. اولین اقدام نخجوان، تأسیس مدرسه متوسطه نظام و دانشکده افسری بود. او در حدّ امکان سعی کرد که از وجود اشخاص با سواد استفاده کرده و آنان را به استخدام رسمی دولت درآورد.

برای تربیت و آموزش های نظامی در مراکز استان ها مدرسه متوسطه نظام تأسیس شد. هدف این بود که تا حدّ امکان ارتش ایران تقویت شود و همپراز کشورهای اروپایی گردد.

سردار سپه تا توانست به آموزش توجه نشان داد و در اکثر جشن ها و گردهمایی های آموزشی با حضور و پشتیبانی بی دریغ خود به گسترش و کارآمدی آن ها کمک مؤثری نمود.

سردار سپه رضاخان از نخجوان خواست که یک دبستان ۶ کلاسه هم تأسیس نماید، زیرا او مایل بود که فرزندان در آینده بتوانند در یک محیط نظامی پرورش یافته و تحصیل نمایند، مخصوصاً در رسیدن به مقام پادشاهی به این امر علاقه ی بیشتری نشان داد. با تأسیس دبستان نظام سعی بر این بود که فرزندان کسانی وارد مدرسه شوند که خانواده آن ها سرشناس باشد، مخصوصاً توجه به فرزندان صاحب منصبان نظام بود.

با گذشت چند سال و بزرگ شدن فرزندان رضاشاه و ورود آن ها به مدارس متوسطه و اعزام ولیعهد به سوئیس در سال ۱۳۱۰، به نظر رسید که دیگر نیازی به دبستان نظام نیست و آن را تعطیل کردند.

وجود دبستان نظام و بقای آن امری ضروری و پسندیده بود، زیرا بدین طریق می توانستند برای ارتش آینده رضاشاهی افسران یا تک آوران شایسته و موجهی را انتخاب کنند.

اگر به تاریخ توجه کنیم می بینیم که پیشرفت های نیروهای عثمانی بیشتر به علت وجود «ینی چری ها» بود. یکی از روش های سرباز گیری در ارتش ترکیه عثمانی این طور بود که غالباً کودکان اسیر مسیحی را انتخاب می کردند. آن ها از یازده سالگی برای آموزش های دینی و نظامی به سپاهیان به نام «عجمی اوقلان» سپرده می شدند تا مهارت بکار بردن هر سلاحی را

فرا گیرند. در سایه شایستگی و فداکاری «ینی چری ها» روزی فرا رسید که در قرن هجدهم میلادی سپاهیان ترک تا پشت دروازه‌های «وین» پیش رفتند. نیروی عظیم دیگری که باید از آن یاد کنیم «لژیون خارجی» فرانسویان در الجزیره بود که در سال ۱۸۳۱ میلادی برای حفظ مستعمرات فرانسه بوجود آمد. در این گروه، از داوطلبان درباره گذشته آنان، ملیت، حتی نام و نشان واقعی آنان تحقیقی به عمل نمی آمد.

انگلیسی ها نیز در این زمینه در هندوستان اقدام مشابهی کردند. اقوام مختلف، تحت تعلیم افسران انگلیسی قرار گرفتند، آن ها برای سرکوبی مخالفین خود در هند و حتی در جنگ های بین الملل اول و دوم در خارج هند از جانبازی این نیروها بهره بسیار بردند.

تربیت جوانان هیتلری در دوران فاشیسم آلمان یعنی بین سالهای ۱۹۳۴-۱۹۴۵ میلادی حدوداً در همان زمینه بود. در آمریکا و بسیاری کشورهای دیگر آموزش واحدهای کماندو تقریباً همین نتایج را دارند.

اکنون هم گروه های تروریستی کودکان را در چارچوب های مشابهی تعلیم می دهند تا آنجا که آنان را برای مرگ و خودکشی آماده می سازند.

و اما متأسفانه در مدارس نظام ایران آنطور که باید و شاید به تحصیل کلاسیک شاگردان توجه کافی نمی شد و بیشتر کوشش ها در زمینه شناسایی توپ و تفنگ و نحوه بکار بردن آن ها و در نهایت در زمینه مارش های نظامی، امور مربوط به «صف جمع» و سرود های میهنی بود. مثل اینکه به علم و دانش زیاد معتقد نبودند. خلاف عقیده فردوسی که می فرماید:

چو بنیاد دانش بیاموخت مرد

سزاوار گردد به جنگ و نبرد

آموزش های نظامی هم در سایه تدریس معلمان کم سواد که اگر دانشی هم داشتند مربوط به گذشته های دور بود، از حد اسب و شمشیر تجاوز نمی کرد، ناچار نتیجهی مطلوب را به دست نمی داد.

در سال ۱۳۰۲ شمسی هنگامی که امان الله میرزا جهانبانی رئیس ارکان حرب (ستاد ارتش) بود نقایص آموزشی را به عرض رسانید و توضیح داد که افسران جزء باید مورد آموزش های

صحیح و جدید قرار گیرند. بعلاوه باید نیروی هوایی و دریایی که ما فاقد آن بودیم ایجاد و به آن توجه شود.

در مرحله اول تصمیم گرفتند که تعدادی از افسران ارتش را که به ۶۵ نفر رسید برای آموزش به یکی از کشورهای اروپایی اعزام دارند، تا دوره های عالی آموزش نظامی را طی نمایند. همچنین پیشنهاد شد که در ایران دانشگاه جنگ افتتاح شود و معلمین لازم از افسران و استادان ارتش های خارجی استخدام شوند.

سردار سپه اصولاً نسبت به خارجی ها نظر خوبی نداشت. لذا پیشنهاد استخدام نظامی خارجی مطلب ساده ای بنظر ایشان نرسید.

رضاخان سردار سپه از روس ها و انگلیسی ها خاطرات تلخی داشت، حتی به سوئدی ها هم که بنیان گذار ژاندارمری ایران بودند نظر مساعد نداشت. امان الله میرزا پیشنهاد کرده بود که از فرانسوی ها استفاده شود و توضیح داده بود که فرانسویان بدون داشتن نظر یا منافع خاص از دوران سلطنت فتحعلیشاه قاجار به ما کمک کرده اند.

این یادآوری مورد توجه و قبول سردار سپه قرار می گیرد و در نهایت قرار شد که افسران ایرانی برای آموزش های نظامی به فرانسه اعزام شوند، تا به پیشنهاد و موافقت دولت و ارتش فرانسه به مدارس مربوطه تقسیم شوند. امان الله میرزا سرتیپ حبیب الله شیبانی را به عنوان معاون انتخاب کرده بود.

اما آنچه که توجه و خواست رضا شاه را فزونی بخشید، همین مسافرت او به ترکیه در سال ۱۳۱۳ شمسی بود. وقتی رضا شاه در کنار آتاتورک عظمت ارتش ترکیه را دید، نمی توانست باور کند که با وجود شکست ترک ها در جنگ بین الملل ۱۸-۱۹۱۴ هنوز ترکیه دارای یک چنین نیروی محکم نظامی باشد.

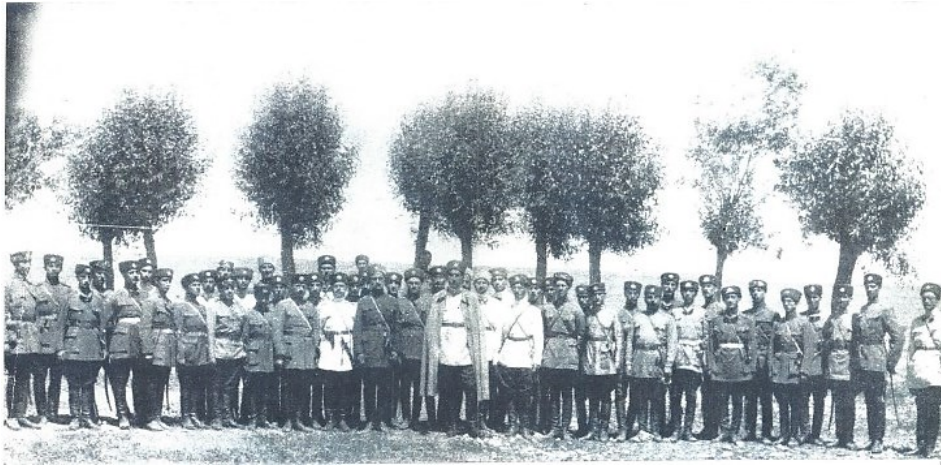
مسافرت به ترکیه نخستین سفر رضا شاه به خارج از ایران بود. این دیدار کوتاه اثری شگرف در وجود او باقی گذاشت و او را برای اقدامات مشابه و شاید بهتر در ایران آماده کرد.

اما هدف اصلی آتاتورک از دعوت رضا شاه به منظور اصلاح و تغییر خطوط مرزی ایران و ترکیه به نفع ترک ها بود، به این جهت تا توانست در مدت اقامت رضا شاه کوشید که نسبت به او حالت خضوع و خشوع داشته باشد، تا آنجا که به یک هنگ مهم ترکیه دستور داده بود که به

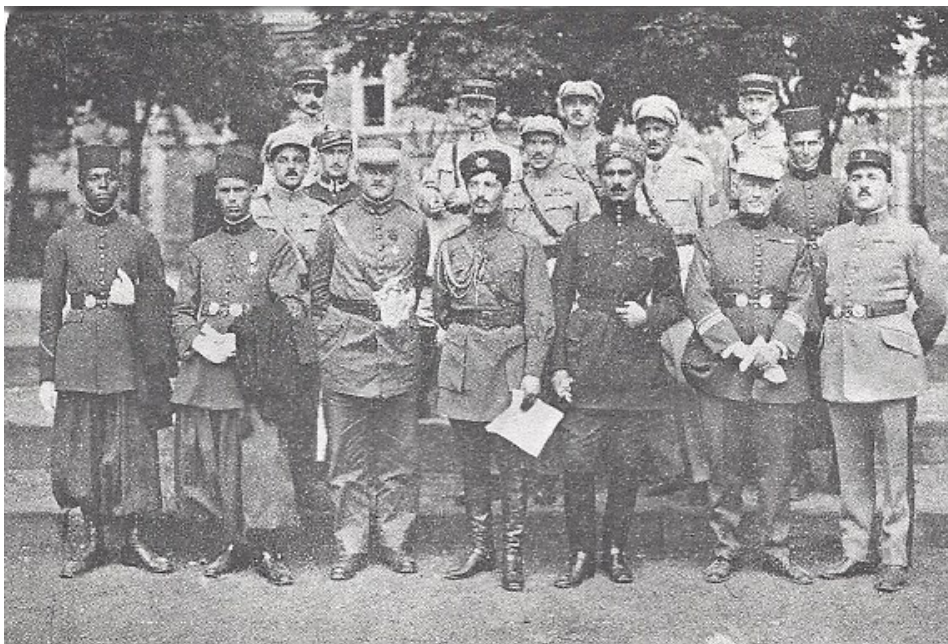
رسم دوران پادشاهی و امپراطوری عثمانی سربازان تفنگ ها را به دست گرفته و در برابر رضا شاه به زانو درآیند.

نام تعدادی از افسران اعزامی به فرانسه و بعضی مقامات بعدی

ستوان سید محمد پلاسید	سرتیپ	ستوان عبداله هدایت	ارتشبد
ستوان میرجلالی	سرلشکر	سرتیپ حبیب‌آله شیبانی	مفقود
ستوان سید احمد وزیری	سپهبد	سروان منصور جهانبانی	سرلشکر
ستوان غلامحسین افخمی	سپهبد	ستوان رضا جوادی	سرتیپ
ستوان علی‌اکبر شعری	سرتیپ	سرگرد احمدچال-	سرهنگ
ستوان امیر اصلانی	سرتیپ	پرسکی	امیر ارتش
ستوان خلیل مرجان	سرهنگ	ستوان محمود خسروانی	امیر ارتش
ستوان احمد نراقی	سرتیپ	ستوان احمد خسروانی	امیر ارتش
ستوان غلامعلی قدر	سرتیپ	ستوان صفرعلی انصاری	امیر ارتش
ستوان سعید کیهان	سرلشکر	سرگرد علی اصغر نقدی	امیر ارتش
ستوان محمود بهارمست	سرلشکر	سرهنگ احمد نجوان	سپهبد شهید
ستوان نصرالله پارسا	سرهنگ	سروان حاجعلی رزم	فوت
ستوان رضا جوادی		آرا	
ستوان نصرالله پارسا		سرهنگ دکتر شیخ	
ستوان صفرعلی انصاری			
ستوان مجید غفاری			



نخستین گروه افسران ایرانی که تحت سرپرستی امان الله میرزا جهانبانی برای آموزش های نظامی به فرانسه اعزام شدند در حضور رضا خان سردار سپه



امان الله میرزا جهانبانی و حبیب الله شیبانی هنگام بازدید از مدرسه سوارنظام سومور فرانسه (۱۳۰۲)



رضا خان سردار سپه در مراسم افتتاح دبیرستان نظام

از قرار معلوم در یکی از رژه‌ها حرکت دسته‌ای از سربازان با آهنگ ارکستر تناسب لازم را نداشته و درست به نظر نمی‌رسید، آتاتورک از جایگاه مخصوص در کنار رضا شاه به پایین پریده، افسر فرمانده دسته را به سوی پرتاب کرده و خود در رأس سربازان به صورت یک افسر عادی از مقابل رضا شاه رژه می‌رود.

در بازگشت به ایران رضا شاه تحت تأثیر قدرت نظامی ترکیه فرمان داد که رؤسای مدارس نظام استان‌ها باید سعی کنند که هرچه بیشتر محصلین زیادتری را برای دبیرستان نظام بپذیرند.

رضا شاه همچنین بنا بر پیشنهاد امان‌الله میرزا در گذشته، دستور داده بود که خود او عازم فرانسه شود تا ضمن خرید سلاح‌های جدید، افسران مناسبی را برای افتتاح دانشگاه نظامی ایران دعوت و استخدام نماید. مدتی بعد گروهی افسر فرانسوی به ریاست ژنرال ژاندر عازم ایران شدند و با سرعت و پشتکاری نظیری برای ایجاد دانشگاه ارتش و تهیه مواد درسی به کار پرداختند. رضا شاه دستور داده بود که افسران فرانسوی باید از یونیفورم، نشان‌ها و علائم ارتش ایران استفاده کنند. او به امان‌الله میرزا گفته بود که حاضر نیست افسران ایرانی به فرانسویان و به لباس آن‌ها

سلام نظامی بدهند. در مقابل، موافقت و پیشنهاد کرده بود که به هر افسر فرانسوی یک درجه ترفیع داده شود. به این ترتیب ژاندر به مقام سپهبدی رسید.

عجب آنکه عمر خدمات افسران آموزشی فرانسوی در ارتش ایران کوتاه بود. توضیح آن که یکی از روزنامه‌های چپ‌گرای فرانسوی مقاله‌تندی در مورد ایران و حکومت رضا شاه نوشته و روش دیکتاتوری و مال‌اندوزی شاه را به تفصیل توضیح داده بود.

رضا شاه با آگاهی از این امر با عصبانیت کامل به دولت فرانسه تکلیف می‌کند که باید روزنامه‌مربوطه را توقیف و مدیر آن، آن را بازداشت نمایند. دولت فرانسه ضمن پوزش و تأسّف از این واقعه اعلام داشته بود که بنابر قانون آزادی مطبوعات، دولت فرانسه نمی‌تواند خواست اعلیحضرت را اجابت نماید.

رضا شاه دستور داده بود که بنابراین باید روابط ایران و فرانسه قطع شود و همچنین دستور داده بود که کلیه نوشته‌های فرنگی بر روی تابلوها یا شیشه‌مغازه‌ها محو گردند و کارکنان شهرداری با کندن تابلوها و شکستن شیشه‌مغازه‌ها مشغول انجام وظیفه شدند.

در نشست امرای ارتش، رضا شاه در مورد دانشگاه نظامی اظهار داشته بود که در یکسال گذشته اطلاعات لازم توسط افسران فرانسوی به ما داده شده و دیگر نیازی به وجود آن‌ها نیست و باید ایران را ترک کنند. شاه نظر امان‌الله میرزا که فرماندهی دانشگاه نظامی را به عهده داشت را نیز جویامی‌شود. نامبرده اظهار می‌دارد که او امر شاهنشاه به یقین باید اجراء شود. رضا شاه می‌پرسد نظر خود شما چیست؟ امان‌الله میرزا کارها را مقلّماتی خوانده و خدمات فرانسوی‌ها را برای یک سال کافی نمی‌داند. شاه می‌گوید: به نظر شما تا چند سال دیگر حضور آن‌ها لازم است؟ امان‌الله میرزا پاسخ می‌دهد: «ده سال».

رضا شاه که عادت نداشت خلاف عقیده خود حرفی بشنود به تندی می‌گوید پس شما هم طرفدار فرانسوی‌ها هستید. امان‌الله میرزا پاسخ می‌دهد که من تابع هیچ کشور خارجی نیستم. وظیفه من است که حقایق را به عرض برسانم.

به هر حال بنا بر فرمان رضا شاه هیأت نظامی فرانسه ایران را ترک کردند. این نکته درخور توجه است که حزب کمونیست فرانسه مخصوصاً نشریات آن حزب به انتقاداتی دست زدند و به افشای مطالبی پرداختند که ارزش چندانی نداشتند.

قرارداد نظامی ایران و فرانسه فرصت مناسبی برای نفوذ فرانسویان در ایران بود که منافع بی شمار داشت و بی جهت آنرا از دست دادند. جلوگیری از فرصت های مناسب دیگر و از آن میان نفوذ حزب کمونیست که جای آن ها در این نوشته نیست موجب شکست های سیاسی و نظامی فرانسه شد که نتیجه کامل آن در سال ۱۹۴۰ میلادی ظاهر گردید و ارتش فرانسه در آن سال در مدتی کمتر از یک ماه در برابر لشکریان آلمان نازی به زانو درآمد.

به هر تقدیر، اهانت های روزنامه چپ گرای فرانسه به پادشاه ایران و اخراج فرانسویان موجب شد که اعلیحضرت رضا شاه نسبت به استخدام اساتید خارجی به هر صورت حالت انزجار پیدا کند و اعلام دارد که در سایه همت افسرانی که تحصیلات خارجی داشته اند دیگر نیازی به اعزام محصل به خارج یا استخدام معلمین خارجی نخواهیم داشت.

آنچه باید گفت اینکه با همه علاقه رضاشاه به ایجاد ارتشی معظم و خرید سلاح های لازم، ارتش ایران نتوانست حتی به مقام عقب مانده ترین ارتش های اروپایی دست یابد. عدم توانایی و شکست ارتش ایران در مقابله شهریور ماه سال ۱۳۲۰ در برابر حمله بی شرمانه روس ها و انگلیس ها، برای ملت ایران آشکار گردید.

فقط لازم به یادآوری است که بسیاری از افسران اعزامی به مدارس خارج در فراگیری روش های نوین کوشش بسیار کردند و در مراجعت به ایران تا توانستند برای اعتلای ارتش ایران و بازگرداندن حیثیت ارتش کوشش نمودند.

بعدها در دوران پادشاهی محمدرضا شاه جمعی از آن ها به مقامات عالی رسیدند. بطور مثال، حاجی علی رزم آرا، عبدالله هدایت و محمود بهارمست هر یک به فرماندهی کل ارتش رسیدند و سرلشکر احمد نخجوان مقام فرمانده نیروی هوایی و دریادار بایندر فرماندهی ناوگان دریایی ایران را عهده دار شدند.

مجید جهانبانی

مک لین، ایالت ویرجینیا

۷ دسامبر ۲۰۲۰